

### نگاه

ترامپ با بیت‌کوین، نظام پولی را درگروگن می‌کند؟

## تغییرات بانکی بزرگ در راه است

### میلاد یزدان‌پور

تحلیگر بازارهای مالی

با ورود به عصر جدیدی از اقتصاد دیجیتال، مفهوم ذخایر استراتژیک بیت‌کوین خود را به‌عنوان یک واقعیت جذاب و جالب‌برانگیز معرفی کرده است. در حال حاضر، تحلیلگران و سیاست‌گذاران به‌شدت در حال بررسی این موضوع هستند که آیا می‌توان از بیت‌کوین به‌عنوان دارایی ذخیره‌ای برای تقویت اقتصاد جهانی استفاده کرد یا خیر. با توجه به تحولات اخیر، قرار است ترامپ در صد روز اول ریاست‌جمهوری خود، با صدور دستورات اجرائی، اقداماتی در جهت ایجاد ذخیره استراتژیک بیت‌کوین به‌عنوان راهی برای تغییر نظام پولی ایالات متحده انجام دهد. دونالد ترامپ قصد دارد با صدور یک فرمان اجرائی، ارزهای دیجیتال را به اولویت ملی تبدیل کند. این اقدام شامل تغییرات بانکی، تشکیل شورای ویژه و همکاری نهادهای نظارتی با صنعت کریپتو خواهد بود.
این فرمان نقطه عطفی برای کریپتو خواهد بود؟ در این مجال به این‌ موضوع خواهیم پرداخت.
ترامپ خود را رئیس‌جمهور کریپتو می‌داند و به صراحت اعلام کرده که قصد دارد این صنعت را توسعه دهد و سیاست‌های حامی ارزهای دیجیتال را وعده داده است. او از برنامه‌هایی برای کاهش محدودیت‌های مربوط به فروش توکن‌های جدید و تسهیل ارتباطات بین شرکت‌های کریپتو و مؤسسات مالی سنتی خبر داده است. این در حالی است که دولت بایدن پیش‌تر تلاش کرده بود این صنعت را تحت مقررات سخت‌گیرانه‌ای قرار دهد تا از وقوع بحران‌های مالی احتمالی جلوگیری کند.
حالا مدیون ارشد صنعت ارزهای دیجیتال که از حامیان ترامپ در کمپین انتخاباتی او محسوب می‌شوند، پیشنهادهای خود را به دیوید ساکس، مشاور ارزهای دیجیتال ترامپ ارائه کرده‌اند. این پیشنهادها احتمالا نقش مهمی در سیاست‌های آتی این‌ حوزه ایفا خواهند کرد. تغییرات بانکی بزرگی در راه است. به گزارش واشنگتن‌پست، این فرمان اجرائی ممکن است شامل این موارد باشد: جلوگیری از محدودسازی بانکی فعالان ارزهای دیجیتال و لغو سیاست‌های حسابداری بانکی که بانک‌ها را ملزم به ثبت دارایی‌های دیجیتال به‌عنوان بدهی می‌کند.
و اما ذخیره استراتژیک بیت‌کوین می‌تواند به طرز عمده‌ای بر سیستم‌های پولی جهانی تأثیر بگذارد. ذخیره بیت‌کوین همچنین می‌تواند به دولت‌نمردان کمک کند تا دلار را پایدار نگه دارند و به‌عنوان پوشش ریسک اقتصادی عمل کند. از آنجا که عرضه بیت‌کوین ثابت است، این دارایی می‌تواند در برابر هجوم تورم مقاومت کند و درعین‌حال به تقویت جایگاه دلار در بازارهای جهانی کمک برساند. تغییراتی که در شیوه‌های پس‌انداز، هزینه و تجارت مردم رخ خواهد داد، می‌تواند به‌سرعت بر همه ابعاد اقتصادی تأثیر بگذارد و به این ترتیب کنترل بانک‌های سنتی بر درایی‌ها و جریان‌های مالی را به چالش بکشد.

**چالش‌های امنیتی و نظارتی:** اما بحث تنها به مزایای این ذخیره محدود نمی‌شود. یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها، ریسک‌های امنیتی بیت‌کوین است. کنترل و مدیریت بیت‌کوین به دلیل ماهیت غیرمتمرکز آن، مشکلاتی را به همراه خواهد داشت. بانک‌های مرکزی نمی‌توانند به‌طور کامل بر بیت‌کوین نظارت داشته باشند و در نتیجه نوسانات قیمت آن می‌تواند مدیریت ذخیره استراتژیک را پیچیده کند. همچنین، افزایش استفاده از بیت‌کوین برای تسویه معاملات بین‌المللی می‌تواند سلطه دلار را به خطر بیندازد و در نهایت باعث سرعت‌بخشیدن به هایلبر بیت‌کوینزیشن شود.
**نیاز به تغییر در چارچوب‌های نظارتی:** در این راستا، مقررات فعلی درباره رمزارها نیازمند به‌روزرسانی هستند. ایالات متحده ممکن است از ذخیره بیت‌کوین به‌عنوان ابزاری برای جذب بیشتر دلارهای خارجی استفاده کند. این اقدام می‌تواند راهی برای تسریع تغییرات جهانی در نظام‌های پولی باشد و در نهایت بر قدرت اقتصادی ایالات متحده تأثیر بگذارد.

**ذخایر استراتژیک و آینده اقتصادی:** ایجاد یک ذخیره استراتژیک بیت‌کوین می‌تواند قدرت ایالات متحده بر نظام پولی خود را تحت‌الشعاع قرار دهد. به‌طور خاص، کشورهایی که به بیت‌کوین روی می‌آورند، ممکن است به‌طور فزاینده‌ای دلار مستقل شوند و این امر می‌تواند منجر به کاهش اهمیت دلار در تجارت جهانی شود. در نتیجه، کسب‌وکارها و افراد بیشتری به سمت بیت‌کوین به‌عنوان یک روش جدید برای انجام معاملات پولی داده خواهند شد.

**بررسی نهادهای قانونی:** در حال حاضر، تحلیلگران و کارشناسان حقوقی درباره امکان ایجاد ذخیره بیت‌کوین توسط ترامپ و لزوم تصویب کنگره در این زمینه، اختلاف‌نظر دارند. سناتور سینیئا لومیس به‌تازگی لایحه‌ای را به سنای ایالات متحده معرفی کرده است که بر اساس آن، بیت‌کوین به‌عنوان دارایی ذخیره برای فدرال‌رزرو پیشنهاد می‌شود. این لایحه شامل نکاتی کلیدی است، ازجمله تأسیس خزانه‌های امن بیت‌کوین و الزام دولت به خرید پنج درصد از کل بیت‌کوین‌های صادرشده.
**ریسک‌ها و چالش‌های ذخایر بیت‌کوین:** با وجود بتاسیل بالا، مخالفان می‌گویند بیت‌کوین هیچ استفاده ذاتی ندارد و برای عملکرد اقتصاد ایالات متحده ضروری نیست. همچنین، ناپایداری‌های تاریخی بیت‌کوین و آسیب‌پذیری کیف پول‌های رمزارز در برابر حملات سایبری نیز ازجمله نگرانی‌هایی است که باید در نظر گرفته شود. هرگونه دخالت دولتی در خرید یا فروش بیت‌کوین می‌تواند تأثیر درخور توجهی بر قیمت آن بگذارد و این خود خطرات جدیدی به اقتصاد جهانی اضافه می‌کند.
ذخایر استراتژیک بیت‌کوین به‌عنوان یک ایده شایان توجه در دنیای مالی مدرن، به‌طور هم‌زمان دارای مزایا و چالش‌هایی است که نیازمند توجه جدی سیاست‌گذاران و اقتصاددانان است. احتمالا آینده اقتصاد جهانی تحت تأثیر این ذخایر قرار خواهد گرفت و شکل‌های جدید مدیریت مالی در افق خواهد بود. برای بررسی اینکه آیا این تغییرات به سود منافع عمومی خواهد بود یا خیر، نیاز به سنجش عمیق و مستمر وجود دارد.

### خبر

## اعتراض اتحادیه‌های کارگری مراکش به قانون جدید اعتصاب

اتحادیه‌های کارگری مراکش پیش‌نویس قانون جدید مطرح‌شده از سوی دولت این کشور را تجاوز به آزادی اتحادیه‌های کارگری و نقض قانون اساسی ترقی‌خواهانه این کشور خواندند. به گزارش پایگاه «اتحادیه‌های جهانی صنعتی»، اتحادیه‌های کارگران مراکش تظاهرات سراسری را علیه پیش‌نویس قانون اعتصاب سازماندهی کردند. این اتحادیه‌ها پیش‌نویس قانون جدید مطرح‌شده از سوی دولت این کشور را تجاوز به آزادی اتحادیه‌های کارگری و نقض قانون اساسی ترقی‌خواهانه این کشور خواندند. کنفدراسیون دموکراتیک کار (CDT) و اتحادیه سراسری کارگران مراکش (UMT) از کارگران خواستند تا علیه اقدام یک‌جانبه دولت برای تحمیل آنچه آنها قانون «درهم‌گوبیدن اتحادیه‌ها» نامیده‌اند، متحد شوند. اتحادیه‌ها با فقدان گفت‌وگو و اقدامات محدودکننده برای فعالیت صنفی مخالف هستند. قانون پیشنهادی دولت مراکش اما تعاریف اعتصاب را به خواسته‌های ویژه کارگر محدود کرده و اعتراض‌ها به هزینه‌های زندگی یا سیاست‌های دولت را ممنوع می‌کند. طبق این قانون، تشکل‌های کارگری خاطی از این مصوبه پیشنهادی مجازات می‌شوند و قوه قضائیه این کشور توسط این قانون در منازعات کارگری درگیر خواهد شد. اتحادیه‌ها اما این قانون را دعوت به کار اجباری می‌خوانند.

خوب یادمانده است، اواخر دهه ۱۳۶۰ بود و ما هنوز

بچه‌ای بودیم که دوره راهنمایی را پشت سر می‌گذاشتیم، امتحان‌ها که تمام می‌شد با این امید که گذرمان به «فصل انگورها» نیفتد؛ سراغ روستایی می‌رفتیم که هنوز رد پای پدربزرگ روی زمینش مانده بود و «خانه خاله» هم هنوز زیر آسمان آن روستا جا داشت. آن روزها امتحانات که تمام می‌شد کتاب و دفتر را به سو سو پرت می‌کردیم و شال و کلاه! و سوار مینی‌بوس آقای کمالی می‌شدیم که آغاز سفر را از میدان اعدام رقم می‌زد.

روستاهای آن روز یک‌طور دیگر بود. خبری از آهن و سیمان تویش نبود. نه بر دیوار سیمان می‌دیدى و نه بر سقف‌ها آهن! سقف‌ها پر یبود از چوب‌های موازی ردیف‌شده که با نظم و ترتیب یک جا نشسته بود و دیوارها طلائی‌رنگ، باران که می‌خورد بوی کاهگل را مثل عطر توی هوا می‌ریخت. شوراانگیزترین لحظات، همان اول صبح بود. درست وقتی که چند دقیقه‌ای به طلوع مانده بود، صدای گنجشک‌ها که انگار شروع روز کاری‌شان بود، از لابه‌لای سیپیدارهای بلند مستقیم جلزونی گوش را نشانه می‌گرفت و سر می‌خورد می‌رفت توی جانت و تو دیگر آن آدم سابق نبودی، در تمام روزهای روستا، همان طلیعه آفتاب با صدای گنجشک‌هایی که روستا را فتح کرده بودند، بیدار می‌شدی و درست کار در روستا از همان زمان شروع می‌شد. اما حالا آن روزگار با امروز توفیر زیادی پیدا کرده است. امروز دیگر از آن روستاها خبری نیست و اساسا جمعیتی در روستاها نمانده که قرار باشد همان شور و اشتیاق در روستاها دیده شود. زیرا مطابق آنچه علی‌اکبر عنابستانی در نشست شغلی نابرابری شهری و روستایی در عدالت شغلی گفت، روستاها به این دلیل از جمعیت خالی شدند که طی سال‌های گذشته کار به جایی رسید که هر شغل شهری، درآمدی چند برابر شغل روستایی داشته است و به همین دلیل بسیاری از روستاییان عطای محل زندگی خود را به نقلایش بخشیده‌اند. آنچه در ادامه آمده بخشی از این پدیده، اتفاق اکبر عنابستانی (استاد برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه شهید بهشتی) و فرهاد عزیزپور دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه خوارزمی است که در نشست «نابرابری شهری و روستایی در عدالت شغلی» مطرح شده است.

#### نابرابری شهرها و روستاها

علی‌اکبر عنابستانی، استاد برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه شهید بهشتی می‌گفت: ایران کشوری با سابقه چندهزارساله در حوزه حکمرانی و کشورداری است و سابقه مدنیت شاید در برخی جاها در کشور ما بالغ بر هفت هزار سال باشد که من اینها را با فکت عرض می‌کنم و این‌طور نیست که فی‌البداهه باشد و تمام اینها توسط پژوهشگران مطرح دنیا تحقیق و بررسی شده و آن را تأیید کرده‌اند. اما آن چیزی که در کشور ما جلب توجه می‌کند، این است که سرزمین ایران وفراز از آن فلات ایران سرزمینی است که وابسته به اقتصاد کشاورزی بوده و در تمام حکومت‌های ایران باستان و بعد از ورود اسلام به ایران، گرانیگاه قدرت حکومت‌ها، بر دوش درآمد و مالیاتی بوده است که از بخش کشاورزی حاصل می‌شده. این وضع تا دهه ۱۴ هجری خورشیدی ادامه پیدا کرد و هیچ تغییری در آن رخ نداد تا اینکه ما وارد مرحله انقلاب جدیدی در حوزه اقتصاد کشورمان شدیم یعنی ورود نفت به اقتصاد.

این استاد دانشگاه گفت: نفت به چرخه اقتصاد کشورمان وارد شد و همه می‌دانیم اولین چاه نفت ما در مسجدسلیمان در دهه ۱۲۹۰ حفر شد اما جایگاه نفت در اقتصاد کشور تثبیت‌شده نبود تا اینکه در دهه ۱۳۵۰ بعد از شکل‌گیری سازمان اِپِک که ریاست آن به ایران رسید، به‌ویژه بعد از افزایش ناگهانی قیمت نفت و درآمدهای نفتی، نفت وارد ساختار اقتصادی کشور ما شد و جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد. هم‌زمان با این پدیده، اتفاقی بزرگ در کشور ما شکل گرفت یعنی انقلاب سفید که یکی از بندهای آن اصلاحات ارضی بود. این موضوع در سال ۱۳۴۰ رخ داد و این دو رخداد توأم با هم، روند تحولات جمعیتی و نیز روند تحولات شغلی را تغییر داد و نابرابری شهر و روستا را در کشور ما تحت تأثیر خودش قرار داد.

عنابستانی با طرح این سؤال که چرا نفت در ساختار

اقتصاد ما مهم است، افزود: از موقعی که نفت در ساختار اقتصادی کشور جایگاهی پیدا کرد و بخش قابل‌توجه درآمد‌های بودجه‌ای دولت را به خودش اختصاص داد، به‌تدریج تکیه و توجه دولت‌ها و در مقام بزرگ‌تر با هم، روند تحولات جمعیتی و نیز روند تحولات شغلی را تغییر داد و نابرابری شهر و روستا را در کشور ما تحت تأثیر خودش قرار داد.

عناستانی با طرح این سؤال که چرا نفت در ساختار

اقتصادی کشور جایگاهی پیدا کرد و بخش قابل‌توجه

درآمد‌های بودجه‌ای دولت را به خودش اختصاص

داد، به‌تدریج تکیه و توجه دولت‌ها و در مقام بزرگ‌تر

با هم، روند تحولات جمعیتی و نیز روند تحولات شغلی را

تغییر داد و نابرابری شهر و روستا را در کشور ما تحت تأثیر

خودش قرار داد.

عنابستانی با طرح این سؤال که چرا نفت در ساختار

اقتصادی کشور جایگاهی پیدا کرد و بخش قابل‌توجه

درآمد‌های بودجه‌ای دولت را به خودش اختصاص

داد، به‌تدریج تکیه و توجه دولت‌ها و در مقام بزرگ‌تر

با هم، روند تحولات جمعیتی و نیز روند تحولات شغلی را

تغییر داد و نابرابری شهر و روستا را در کشور ما تحت تأثیر

خودش قرار داد.

عنابستانی با طرح این سؤال که چرا نفت در ساختار

اقتصادی کشور جایگاهی پیدا کرد و بخش قابل‌توجه

درآمد‌های بودجه‌ای دولت را به خودش اختصاص

داد، به‌تدریج تکیه و توجه دولت‌ها و در مقام بزرگ‌تر

با هم، روند تحولات جمعیتی و نیز روند تحولات شغلی را

تغییر داد و نابرابری شهر و روستا را در کشور ما تحت تأثیر

خودش قرار داد.

عنابستانی با طرح این سؤال که چرا نفت در ساختار

اقتصادی کشور جایگاهی پیدا کرد و بخش قابل‌توجه

درآمد‌های بودجه‌ای دولت را به خودش اختصاص

داد، به‌تدریج تکیه و توجه دولت‌ها و در مقام بزرگ‌تر

با هم، روند تحولات جمعیتی و نیز روند تحولات شغلی را

تغییر داد و نابرابری شهر و روستا را در کشور ما تحت تأثیر

خودش قرار داد.

عنابستانی با طرح این سؤال که چرا نفت در ساختار

اقتصادی کشور جایگاهی پیدا کرد و بخش قابل‌توجه

درآمد‌های بودجه‌ای دولت را به خودش اختصاص

داد، به‌تدریج تکیه و توجه دولت‌ها و در مقام بزرگ‌تر

با هم، روند تحولات جمعیتی و نیز روند تحولات شغلی را

تغییر داد و نابرابری شهر و روستا را در کشور ما تحت تأثیر

خودش قرار داد.

عنابستانی با طرح این سؤال که چرا نفت در ساختار

اقتصادی کشور جایگاهی پیدا کرد و بخش قابل‌توجه

درآمد‌های بودجه‌ای دولت را به خودش اختصاص

داد، به‌تدریج تکیه و توجه دولت‌ها و در مقام بزرگ‌تر

با هم، روند تحولات جمعیتی و نیز روند تحولات شغلی را

تغییر داد و نابرابری شهر و روستا را در کشور ما تحت تأثیر

خودش قرار داد.

عنابستانی با طرح این سؤال که چرا نفت در ساختار

اقتصادی کشور جایگاهی پیدا کرد و بخش قابل‌توجه

درآمد‌های بودجه‌ای دولت را به خودش اختصاص

داد، به‌تدریج تکیه و توجه دولت‌ها و در مقام بزرگ‌تر

با هم، روند تحولات جمعیتی و نیز روند تحولات شغلی را

تغییر داد و نابرابری شهر و روستا را در کشور ما تحت تأثیر

خودش قرار داد.

عنابستانی با طرح این سؤال که چرا نفت در ساختار

اقتصادی کشور جایگاهی پیدا کرد و بخش قابل‌توجه

درآمد‌های بودجه‌ای دولت را به خودش اختصاص

داد، به‌تدریج تکیه و توجه دولت‌ها و در مقام بزرگ‌تر

با هم، روند تحولات جمعیتی و نیز روند تحولات شغلی را

تغییر داد و نابرابری شهر و روستا را در کشور ما تحت تأثیر

خودش قرار داد.

عنابستانی با طرح این سؤال که چرا نفت در ساختار

اقتصادی کشور جایگاهی پیدا کرد و بخش قابل‌توجه

درآمد‌های بودجه‌ای دولت را به خودش اختصاص

داد، به‌تدریج تکیه و توجه دولت‌ها و در مقام بزرگ‌تر

با هم، روند تحولات جمعیتی و نیز روند تحولات شغلی را

تغییر داد و نابرابری شهر و روستا را در کشور ما تحت تأثیر

خودش قرار داد.

عنابستانی با طرح این سؤال که چرا نفت در ساختار

اقتصادی کشور جایگاهی پیدا کرد و بخش قابل‌توجه

درآمد‌های بودجه‌ای دولت را به خودش اختصاص

داد، به‌تدریج تکیه و توجه دولت‌ها و در مقام بزرگ‌تر

با هم، روند تحولات جمعیتی و نیز روند تحولات شغلی را

تغییر داد و نابرابری شهر و روستا را در کشور ما تحت تأثیر

خودش قرار داد.

عنابستانی با طرح این سؤال که چرا نفت در ساختار

اقتصادی کشور جایگاهی پیدا کرد و بخش قابل‌توجه

درآمد‌های بودجه‌ای دولت را به خودش اختصاص

داد، به‌تدریج تکیه و توجه دولت‌ها و در مقام بزرگ‌تر

با هم، روند تحولات جمعیتی و نیز روند تحولات شغلی را

تغییر داد و نابرابری شهر و روستا را در کشور ما تحت تأثیر

خودش قرار داد.

عنابستانی با طرح این سؤال که چرا نفت در ساختار

اقتصادی کشور جایگاهی پیدا کرد و بخش قابل‌توجه

درآمد‌های بودجه‌ای دولت را به خودش اختصاص

داد، به‌تدریج تکیه و توجه دولت‌ها و در مقام بزرگ‌تر

با هم، روند تحولات جمعیتی و نیز روند تحولات شغلی را

تغییر داد و نابرابری شهر و روستا را در کشور ما تحت تأثیر

خودش قرار داد.

عنابستانی با طرح این سؤال که چرا نفت در ساختار

اقتصادی کشور جایگاهی پیدا کرد و بخش قابل‌توجه

درآمد‌های بودجه‌ای دولت را به خودش اختصاص

داد، به‌تدریج تکیه و توجه دولت‌ها و در مقام بزرگ‌تر

با هم، روند تحولات جمعیتی و نیز روند تحولات شغلی را

تغییر داد و نابرابری شهر و روستا را در کشور ما تحت تأثیر

خودش قرار داد.

عنابستانی با طرح این سؤال که چرا نفت در ساختار

اقتصادی کشور جایگاهی پیدا کرد و بخش قابل‌توجه

درآمد‌های بودجه‌ای دولت را به خودش اختصاص

داد، به‌تدریج تکیه و توجه دولت‌ها و در مقام بزرگ‌تر

با هم، روند تحولات جمعیتی و نیز روند تحولات شغلی را

تغییر داد و نابرابری شهر و روستا را در کشور ما تحت تأثیر

خودش قرار داد.

عنابستانی با طرح این سؤال که چرا نفت در ساختار

اقتصادی کشور جایگاهی پیدا کرد و بخش قابل‌توجه

درآمد‌های بودجه‌ای دولت را به خودش اختصاص

داد، به‌تدریج تکیه و توجه دولت‌ها و در مقام بزرگ‌تر

با هم، روند تحولات جمعیتی و نیز روند تحولات شغلی را

تغییر داد و نابرابری شهر و روستا را در کشور ما تحت تأثیر

خودش قرار داد.

عنابستانی با طرح این سؤال که چرا نفت در ساختار

اقتصادی کشور جایگاهی پیدا کرد و بخش قابل‌توجه

درآمد‌های بودجه‌ای دولت را به خودش اختصاص

داد، به‌تدریج تکیه و توجه دولت‌ها و در مقام بزرگ‌تر

با هم، روند تحولات جمعیتی و نیز روند تحولات شغلی را

تغییر داد و نابرابری شهر و روستا را در کشور ما تحت تأثیر

خودش قرار داد.

عنابستانی با طرح این سؤال که چرا نفت در ساختار

اقتصادی کشور جایگاهی پیدا کرد و بخش قابل‌توجه

درآمد‌های بودجه‌ای دولت را به خودش اختصاص

داد، به‌تدریج تکیه و توجه دولت‌ها و در مقام بزرگ‌تر

با هم، روند تحولات جمعیتی و نیز روند تحولات شغلی را

تغییر داد و نابرابری شهر و روستا را در کشور ما تحت تأثیر

خودش قرار داد.

عنابستانی با طرح این سؤال که چرا نفت در ساختار

اقتصادی کشور جایگاهی پیدا کرد و بخش قابل‌توجه

درآمد‌های بودجه‌ای دولت را به خودش اختصاص

داد، به‌تدریج تکیه و توجه دولت‌ها و در مقام بزرگ‌تر

با هم، روند تحولات جمعیتی و نیز روند تحولات شغلی را

تغییر داد و نابرابری شهر و روستا را در کشور ما تحت تأثیر

خودش قرار داد.

عنابستانی با طرح این سؤال که چرا نفت در ساختار

اقتصادی کشور جایگاهی پیدا کرد و بخش قابل‌توجه

درآمد‌های بودجه‌ای دولت را به خودش اختصاص

داد، به‌تدریج تکیه و توجه دولت‌ها و در مقام بزرگ‌تر

با هم، روند تحولات جمعیتی و نیز روند تحولات شغلی را

تغییر داد و نابرابری شهر و روستا را در کشور ما تحت تأثیر

خودش قرار داد.

عنابستانی با طرح این سؤال که چرا نفت در ساختار

اقتصادی کشور جایگاهی پیدا کرد و بخش قابل‌توجه

درآمد‌های بودجه‌ای دولت را به خودش اختصاص

داد، به‌تدریج تکیه و توجه دولت‌ها و در مقام بزرگ‌تر

با هم، روند تحولات جمعیتی و نیز روند تحولات شغلی را

تغییر داد و نابرابری شهر و روستا را در کشور ما تحت تأثیر

خودش قرار داد.

عنابستانی با طرح این سؤال که چرا نفت در ساختار

اقتصادی کشور جایگاهی پیدا کرد و بخش قابل‌توجه

درآمد‌های بودجه‌ای دولت را به خودش اختصاص

داد، به‌تدریج تکیه و توجه دولت‌ها و در مقام بزرگ‌تر

با هم، روند تحولات جمعیتی و نیز روند تحولات شغلی را

تغییر داد و نابرابری شهر و روستا را در کشور ما تحت تأثیر

خودش قرار داد.

عنابستانی با طرح این سؤال که چرا نفت در ساختار

اقتصادی کشور جایگاهی پیدا کرد و بخش قابل‌توجه

درآمد‌های بودجه‌ای دولت را به خودش اختصاص

داد، به‌تدریج تکیه و توجه دولت‌ها و در مقام بزرگ‌تر

با هم، روند تحولات جمعیتی و نیز روند تحولات شغلی را

تغییر داد و نابرابری شهر و روستا را در کشور ما تحت تأثیر

خودش قرار داد.

عنابستانی با طرح این سؤال که چرا نفت در ساختار

اقتصادی کشور جایگاهی پیدا کرد و بخش قابل‌توجه

درآمد‌های بودجه‌ای دولت را به خودش اختصاص

داد، به‌تدریج تکیه و توجه دولت‌ها و در مقام بزرگ‌تر

با هم، روند تحولات جمعیتی و نیز روند تحولات شغلی را